



Scan online to view this article

Study of *Leishmania Tropica* proliferation in mouse J774A-1 cell line

Zahra Moradi ¹, Saeed Zaker Bostanabad ^{1*}, Ramtin Hadighi ²

1- Department of Biology, Faculty of Science, Islamic Azad Parand University, Tehran, Iran

2-. Department of Parasitology, Faculty of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran,

Abstract

Aim and Background: From the perspective of biology The genus *Leishmania* belongs to Tripanozomatite tribe flagellate Parasits. *Leishmania* is in the form of promastigotes and amastigotes. In culture, In the form of promastigotes and intra-macrophage is in the form of amastigotes. The aim of this study was to investigate the survival of *L.tropica* parasites in culture .

Materials and Methods: In this study, the Possibility of growth in NNN and RPMI1640 culture Reviewed . In the laboratory, Conditions were provided that *L.tropica* protigotites transformed into amastigotes that live in the host cell. Growth of *L.tropica* was investigated in comparison with other types of leishmaniasis, such as *L. major*. *L.tropica* was kept at 25-26°C in a conventional incubator. *L.tropica* culture culture was performed in RPMI1640 culture. Contamination of *L.tropica* was done on J774A-1 cells. The J774A-1 cell was maintained in RPMI1640 medium. Cells were stored at 37°C in a CO2-encoded incubator.

Results: *L.tropica* After infecting was observed on the J774A-1 macrophage cell line. compared to *L.major*, Which takes more time to show its performance, *L.tropica* is the power of survival for a long time Inside it. It was also observed that *L.tropica* was only stored and not proliferated in NNN medium.

Conclusion: The results indicate that *L.tropica* protigotites, in laboratory environment Became amastigotes Which host cells have the power of survival for a long time.

Keywords: Proliferation and growth, *L. tropica*, J774A-1

Corresponding author:

Department of Biology, Faculty of Science, Islamic Azad Parand University, Tehran, Iran

Email: saeedzaker20@yahoo.com





برای مشاهده این مقاله به صورت
آنلاین اسکن کنید

مطالعه و بررسی تکثیر لیشمانیاتروپیکا در رده سلولی J774A-1 موشی زهرا مرادی^۱، سعید ذاکر بستان آباد^{۱*}، رامتین حدیقی^۲

۱. گروه زیست شناسی، دانشکده علوم زیستی، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، پرند، ایران

۲. گروه انگل شناسی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

چکیده

سابقه و هدف: جنس لیشمانیا از نظر زیست شناسی به انگل های تاژک دار خانواده تریپانوزوماتیده^۱ تعلق دارد. لیشمانیا به دو فرم پروماستیگوت و آماسیتیگوت است. در محیط کشت به فرم پروماستیگوت و داخل ماکروفاژ به فرم آماسیتیگوت است. در این پژوهش هدف بررسی زنده ماندن انگل های لیشمانیاتروپیکا (*L. tropica*) در محیط کشت سلول است.

مواد و روش ها: در این مطالعه امکان رشد در محیط کشت Novy-MacNeal-Nicolli (N.N.N) و RPMI1640 بررسی گردید. در آزمایشگاه شرایطی فراهم شد که پروماستیگوت های لیشمانیاتروپیکا، به آماسیتیگوت هایی که در سلول میزبان زنده ماندند تبدیل شدند. رشد لیشمانیاتروپیکا، در مقایسه با انواع لیشمانیا های دیگر مانند لیشمانیا ماژور بررسی گردید. لیشمانیاتروپیکا در دمای ۲۶-۲۵ درجه سانتی گراد در انکوباتور معمولی نگهداری شد. کشت لیشمانیاتروپیکا در محیط کشت RPMI1640 انجام شد. آلوده سازی لیشمانیاتروپیکا بر روی سلول J774A-1 انجام شد. سلول J774A-1 در محیط کشت RPMI1640 نگهداری شد. سلول ها در ۳۷ درجه سانتی گراد در انکوباتور CO₂ دار نگهداری شدند.

یافته ها: لیشمانیاتروپیکا بعد از آلوده سازی بر روی سلول ماکروفاژی J774A-1 مشاهده شد. در مقایسه با لیشمانیا ماژور که زمان بیش تری نیاز دارد تا عملکرد خود را نشان دهد، لیشمانیاتروپیکا در داخل این سلول قدرت زنده ماندن برای زمان طولانی را دارد. هم چنین مشاهده شد لیشمانیاتروپیکا در محیط کشت N.N.N فقط نگهداری می شود و تکثیر نمی شود.

نتیجه گیری: یافته ها در این تحقیق نشان داد پروماستیگوت های لیشمانیاتروپیکا، در شرایط آزمایشگاه به آماسیتیگوت هایی تبدیل شدند که در سلول های میزبان قدرت زنده ماندن برای زمان طولانی را دارند.

واژه های کلیدی: تکثیر و رشد، لیشمانیاتروپیکا، J774A-1

مقدمه

لیشمانیوز جلدی یکی از مهم ترین بیماری های انگلی در ایران است که کنترل این بیماری به لحاظ مداخله در محیط با اهداف کاهش ناقل و مخزن حیوانی بیماری هزینه زیادی دارد (۱). لیشمانیازیس انگلی تک یاخته است که توانایی آلوده سازی انسان و چندین گونه از پستانداران را دارد. این انگل با پشه خاکی آلوده انتقال داده می شود، که میکروارگانیسم ها در نیش آن ها است (پروماستیگوت) (۲).

نویسنده مسئول:

گروه زیست شناسی، دانشکده علوم زیستی، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی

پست الکترونیکی: saeedzaker20@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۷/۱۷

¹. Trypanosomatidea

بعد از ایجاد زخم درون پوست میزبان، پروماستیگوت‌ها با فاگوسیت‌های تک‌هسته‌ای فرا گرفته می‌شوند (در سلول میزبان)، آن‌ها تبدیل به آماستیگوت می‌شوند. ماکروفاژهای انگلی وقتی در میزبان آلوده قرار می‌گیرند، آماستیگوت‌ها دوباره به پروماستیگوت در دستگاه گوارش قربانی تبدیل می‌شوند. پروماستیگوت اندامی است که به‌سادگی می‌تواند در آزمایشگاه رشد کند (۲).

مطالعه‌های انجام شده با هدف بررسی زنده ماندن انگل لیشمانیاتروپیکا در محیط کشت برای بررسی و مطالعه‌های آزمایشگاهی است. رشد انگل را می‌توان در محیط‌های کشت مختلف بررسی کرد. در این مطالعه‌ها رشد لیشمانیاتروپیکا در مقایسه با انواع لیشمانیاهای دیگر مانند لیشمانیا ماژور (*L. major*) بررسی می‌شود (۱۲).

محیط کشت (Novy - Mac-Neal and Nicolle) N.N.N نتایج بسیار رضایت‌بخش را به‌خصوص برای جداسازی اولیه لیشمانیاتروپیکا نمی‌دهد (۱). مطالعه‌ها به‌منظور به‌دست‌آوردن رشد فراوان در سطح جامد انجام گرفته‌اند. پروماستیگوت‌های لیشمانیاتروپیکا در محیط کشت RPMI-1640 در دمای ۳۷ درجه سانتی‌گراد و $PH=7.4$ کشت داده می‌شود (۴،۳). رنگ‌آمیزی با روش گیمسا انجام می‌شود.

Rogers (۱۹۰۴) اولین بار ثابت کرد که لیشمانیا دونووانی (*L. donovani*) در بدن انسان در طحال به‌صورت گرد تاژک‌دار است و با حل کردن در سدیم سیترات برای چند روز در دمای آزمایشگاه نگه داشته می‌شود (۲۹). Nicolle (۱۹۰۸) لیشمانیا اینفنتوم (*L. infantum*) را در محیط کشت N.N.N کشت داد و نشان داد که شناسایی کشت فرعی امکان‌پذیر بود. Nicolle و Manceaux (۱۹۱۱) مشاهده کردند که لیشمانیاتروپیکا را هم‌چنین می‌توان در

محیط کشت N.N.N در سطح جامدی که تازه بود و سطح آن خشک نبود کشت داد. در پایان ۴ یا ۵ روز به‌صورت کوچک، گرد، صاف و کلنی‌های شفاف، کوچک‌تر از سر سنجاق گسترش یافتند. چنین کلنی‌های گردی از لیشمانیا فراوان هستند (۴).

مطالعه‌های Esterre و همکارانش در سال ۱۹۸۹ نشان دادند که رابطه‌ای بین گروه‌های خونی انسان با رشد عامل لیشمانیوز جلدی آمریکایی وجود ندارد (۵).

مطالعه‌های Gupta و همکارانش نشان داد که تغییر مواد تشکیل دهنده محیط کشت لیشمن و شرایط نگهداری محیط کشت‌ها با رشد پروماستیگوت لیشمانیوز جلدی رابطه دارد (۱).

Evans در سال ۱۹۸۶ از سرم خون جنین گاوی (ECS) غیر فعال برای کشت پروماستیگوت‌ها ۱۲ سوش تأیید شده سازمان بهداشت جهانی استفاده نمود و نشان داد که افزودن ECS فعال یا غیر فعال در رشد پروماستیگوت تفاوت ایجاد نمی‌کند (۵).

در سال ۱۸۸۵ نخستین بار، Cuningham وجود تک یاخته انگلی را از زخم‌های جلدی گزارش کرد و در سال ۱۹۰۰، لیشمن (*leishman*) نام‌گذاری شد. در سال ۱۹۰۴ برای اولین بار Rogers موفق به کشت انگل و مشاهده فرم تاژک‌دار آن در محیط کشت حاوی خون خرگوش گردید. در سال ۱۹۰۸ توسط Novy, Mac-Neal and Nicolle به نام محیط N.N.N معروف شد و امروزه در اکثر آزمایشگاه‌های تحقیقاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱).

مطالعه‌های Gupta و همکارانش نشان داد که تغییر مواد تشکیل دهنده محیط کشت لیشمن و شرایط نگهداری

محیط کشت‌ها با رشد پروماستیگوت لیشمانیوز جلدی رابطه دارد(۱).

این پژوهش تکثیر لیشمانیاتروپیکا در مقایسه با تکثیر لیشمانیا ماژور بررسی نمود. هدف اصلی در این پژوهش تکثیر لیشمانیاتروپیکا در محیط‌های مختلف کشت و داخل ماکروفاژ و تغییرهای ایجاد شده است. تکثیر لیشمانیاتروپیکا در محیط‌های کشت N.N.N و RPMI1640 و آلوده‌سازی در سلول ماکروفاژی J774A1 موشی انجام شد.

روش کار

این تحقیق تجربی که به‌منظور مطالعه اثر لیشمانیاتروپیکا در مقایسه با لیشمانیا ماژور بر روی سلول ماکروفاژی J774A-1 در شرایط آزمایشگاهی انجام شد. نمونه‌های مورد مطالعه از نظر آلودگی به آماستیگوت انگل لیشمانیا به‌روش گیمسا رنگ‌آمیزی شدند.

سویه استاندارد انگل لیشمانیا ماژور (MRHO/IR/75/ER) و سویه استاندارد انگل لیشمانیاتروپیکا، (MHOM/AF/88/KK27) از انستیتو پاستور ایران تهیه شد، سویه‌های استاندارد در محیط کشت Novy-MacNeal-Nicolli (N.N.N) داخل لوله‌های مخصوص کشت نگهداری شدند. این لوله‌ها قابل مشاهده با میکروسکوپ معکوس بودند. هر دو تا سه روز یک‌بار این محیط‌ها بررسی شدند و هرگاه تعداد انگل‌ها به حد قابل توجهی رسیدند، دوباره فاز مایع اضافه شد. پاساژ برای تازه شدن محیط کشت به‌همراه ۱ ml محیط کشت RPMI1640 بدون FBS انجام شد. هر زمان نیازه انگل بود از این محیط برداشته شد و پس از سانتریفیوژ با دور ۳۰۰۰-۲۰۰۰ به فلاسک منتقل شد. به‌دلیل دستیابی به انگل‌های فاقد آگار و گلبول‌های قرمز، کشت انگل در محیط RPMI1640 انجام شد. سرم جنین گاوی FBS ۱۰٪ تا ۲۰٪ به‌منظور غنی‌سازی محیط کشت مورد استفاده قرار گرفت.

لوله‌های کشت در دمای ۲۶ درجه سانتی‌گراد نگهداری و هر روز مورد بررسی قرار گرفتند. هنگامی‌که اشکال پروماستیگوت به مرحله ایستایی (Stationary phase) رسیدند محتوی لوله‌های کشت را سانتریفیوژ نموده و انگل‌های رسوب داده شده را چند بار با بافر (Phosphate buffered saline) PBS استریل شست و شو داده و سپس مقداری PBS به آن افزوده و با استفاده از لام نئوبار انگل‌ها در واحد حجم شمارش و محاسبه شدند.

کشت سلول

سلول‌های رده سلولی J774A-1 داخل فلاسک ۵۰ml از انستیتو پاستور خریداری شد. به‌دلیل این‌که این رده سلولی از نوع سلول‌های چسبنده بود در زمان مشاهده با میکروسکوپ معکوس به‌صورت چسبیده در کف فلاسک دیده شد. بعد از خارج نمودن مایع رویی و شستشو با محلولی با نام Pbs و اضافه نمودن تریپسین و با گذشت زمان ۳ دقیقه، سلول‌ها به فلاسک جدید انتقال داده شدند. سپس محیط کشت کامل را اضافه می‌نماییم. به‌دلیل اختلاف دمای داخل یخچال و فلاسک حاوی سلول، قبل از اضافه نمودن محیط کشت به سلول، محیط به‌مدت چند دقیقه داخل انکوباتور CO₂ دار قرار داده شد تا کمابیش با فلاسک هم دما شود. با این اقدام از ایجاد شوک سلولی جلوگیری شد. پس از اضافه نمودن محیط کشت، ابتدا وضعیت سلول‌ها در زیر میکروسکوپ معکوس مشاهده شد، بعد داخل انکوباتور CO₂ دار قرار داده شد و به‌طور روزانه وضعیت سلول‌ها مورد بررسی کامل قرار گرفت.

باتوجه به رشد سلول هر ۲۴ تا ۴۸ ساعت یکبار محیط درون فلاسک تعویض شد. سلول‌ها در اثر تکثیر، محتوی مقداری مواد سمی و دفعی بودند که سبب زرد شدن محیط شد. این مواد PH محیط را کم کرده و محیط را اسیدی می‌کنند. بنابراین برای ادامه رشد سلول، این مواد از فلاسک خارج شدند. لازم به ذکر است، تمام محیط کشت نباید خارج شود

۱-۲ ml محیط به دلیل دارا بودن فاکتورهای رشدی که سلول تولید کرده باید در فلاسک باقی بماند.

مرحله آلوده سازی ماکروفاژ با پروماستیگوت

پلیت ها درون انکوباتور CO₂ دار ۳۷ درجه سانتی گراد قرار داده شدند. حدود ۵۰-۶۰٪ ماکروفاژها به لامل می چسبند (حدود ۱۰^۴ ماکروفاژ). ۲۴ ساعت پس از کشت سلول پلیت ها را از انکوباتور خارج نموده، سپس مرحله اضافه کردن انگل، که به ازای هر ۱ ماکروفاژ ۱۰ انگل اضافه شد (به ازای ۱۰^۴ سلول باید ۱۰^۵ انگل اضافه شود). در ادامه در دو پلیت جداگانه، انگل لیشمانیا ماژور و انگل لیشمانیا تروپیکا اضافه شد. پلیت ها درون انکوباتور قرار داده شدند.

رنگ آمیزی ماکروفاژها

مقداری سلول حاوی انگل از سطح پلیت برداشته شد. در ابتدا این نمونه، با الکل متیلیک ثابت شد. در مرحله بعد محلول رنگ گیمسا (به نسبت ۱ به ۵۰۰ با آب رقیق شده) اضافه نموده، لام ها به مدت ۲۰ دقیقه در آن قرار داده شد. بعد از این مدت لام ها در زیر جریان آب شیر به آرامی شستشو شد. پس از خشک شدن، لام ها آماده مطالعه میکروسکوپی بودند.

مشاهده آماسیگوت ها در ماکروفاژها

تهیه گسترش و رنگ آمیزی به مدت ۲۱ روز انجام شد و وجود آماسیگوت ها در داخل ماکروفاژها بررسی شد. ماکروفاژهایی که دارای لیشمانیا ماژور است در کم تر از یک هفته از بین می روند. اما ماکروفاژهای آلوده شده با لیشمانیا تروپیکا به مدت حدود ۳ هفته باقی ماند. نمونه ها با بزرگ نمایی ۴۰ در زیر میکروسکوپ مشاهده شد. تعداد انگل اضافه شده به سلول ۱۰ برابر سلول است. به پلیت دوم لیشمانیا ماژور به منظور مقایسه با لیشمانیا تروپیکا اضافه شد.

نتایج

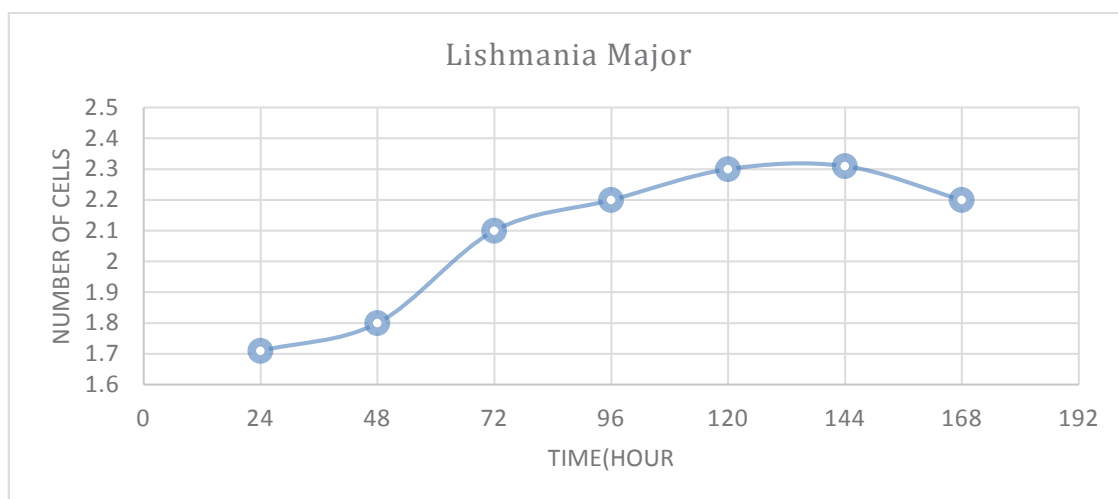
نتایج نگهداری انگل در محیط کشت

نتایج بررسی چگونگی رشد انگل لیشمانیا تروپیکا در محیط کشت NNN نشان داد که این محیط کشت فقط برای نگهداری انگل لیشمانیا تروپیکا است.

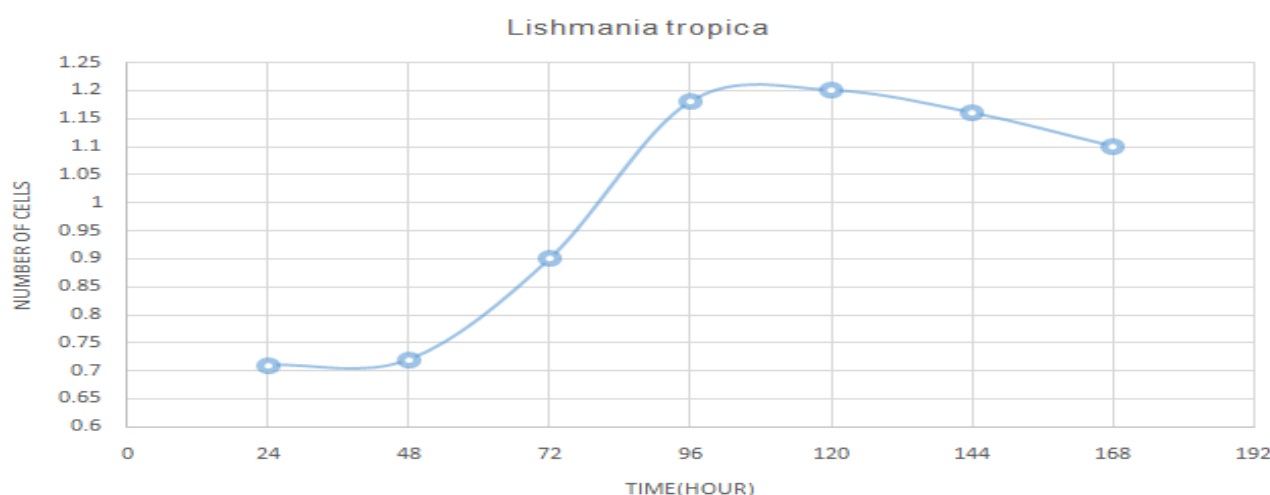
در این پژوهش پس از اضافه نمودن محیط کشت RPMI1640 به لیشمانیا تروپیکا و لیشمانیا ماژور و انتقال فلاسک ها به انکوباتور معمولی ۲۶ درجه سانتی گراد، شمارش انگل به طور روزانه با فرمالین و برروی لام نئوبار انجام شد. طبق داده های جدول ۱، ابتدا منحنی، رشد تأخیری را نشان داد. سپس وارد فاز لگاریتمی و در روزهای پایانی وارد فاز ثابت شد. از روز چهارم به بعد انگل ها دارای این قابلیت بودند که به ماکروفاژ اضافه شوند. منحنی شمارش روزانه در نمودار ۱ و ۲ مشخص شده است.

جدول ۱- شمارش روزانه لیشمانیا ماژور و لیشمانیا تروپیکا

روز	روز اول	روز دوم	روز سوم	روز چهارم	روز پنجم	روز ششم	روز هفتم
شمارش روزانه لیشمانیا ماژور	$1/71 \times 10^6$	$1/8 \times 10^6$	$2/1 \times 10^6$	$2/2 \times 10^6$	$2/3 \times 10^6$	$2/31 \times 10^6$	$2/2 \times 10^6$
شمارش روزانه لیشمانیا تروپیکا	$0/71 \times 10^6$	$0/72 \times 10^6$	$0/9 \times 10^6$	$1/18 \times 10^6$	$1/3 \times 10^6$	$1/15 \times 10^6$	$1/1 \times 10^6$



نمودار ۱- منحنی شمارش روزانه لیشمانیا ماژور



نمودار ۲- منحنی شمارش روزانه لیشمانیا تروپیکا

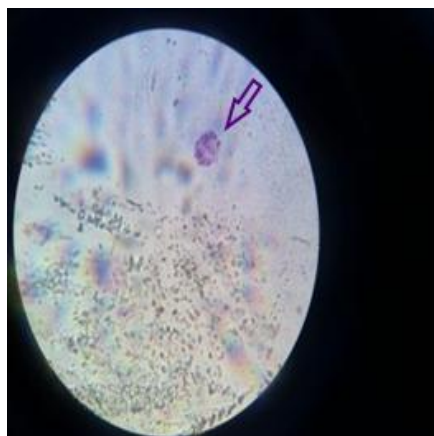
نتایج آلوده سازی ماکروفاژ با

پروماستیگوت

جدول ۲. روند تکثیر لیشمانیا ماژور داخل سلول ماکروفاژی J774A-1

روز	تکثیر انگل لیشمانیا ماژور
روز اول	پروماستیگوت ها در حال وارد شدن به ماکروفاژ
روز دوم و سوم	وجود آماسیتیگوت ها در داخل ماکروفاژ
روز چهارم	افزایش تعداد آماسیتیگوت ها داخل ماکروفاژ
روز پنجم	پاره شدن ماکروفاژ و خروج انگل از ماکروفاژ

در جدول ۲ مشاهده می شود پروماستیگوت های انگل لیشمانیا ماژور در روز اول وارد ماکروفاژ شد. در داخل ماکروفاژ فرم پروماستیگوت به فرم آماسیتیگوت تبدیل شد (شکل ۱). تعداد آماسیتیگوت ها تا روز چهارم به حداکثر تعداد رسید و در روز پنجم آماسیتیگوت ها ماکروفاژ را پاره نموده و به آلوده سازی ماکروفاژهای دیگر پرداختند.



شکل ۲- انگل لیشمانیاتروپیکا داخل سلول J774A-1: سلول به رنگ صورتی نشان داده شده که انگل در داخل آن با رنگ بنفش توسط پیکان مشخص شده است.

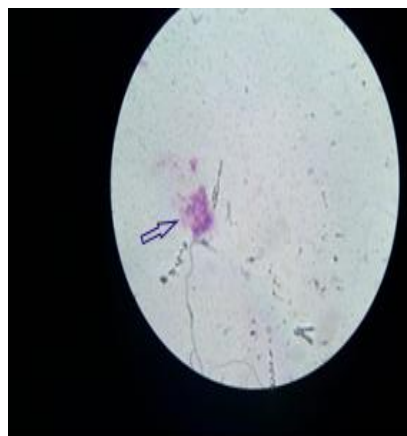
به این ترتیب مشاهده شد لیشمانیاتروپیکا در مقایسه با لیشمانیا ماژور زمان بیشترین نیاز دارد تا در محیط کشت عملکرد خود را نشان دهد و از سلول خارج و باعث آلوده سازی سلول های دیگر شود.

بحث

کشت استاندارد شده گونه های لیشمانیا در محیط کشت روش مفیدی برای به دست آوردن مقادیر زیادی انگل جهت اهداف گوناگون پژوهشی است. کشت انگل در راستای ارتقاء آگاهی از ارتباطات بین انگل و میزبان و همچنین تشخیص خصوصیات زیستی انگل مؤثر است (۶).

یکی از اهداف اولیه محققین از کشت انگل، به دست آوردن مقادیر زیاد گونه های مختلف انگلی و حفظ طولانی مدت آن ها است (۷).

محیط های مورد استفاده برای کشت انگل لیشمانیا شامل: محیط دوفازی و محیط مایع است، محیط کشت دو فازی شامل فاز جامد؛ آگار، نمک و خون خرگوش و فاز مایع آن معمولاً سرم فیزیولوژی است. پروماستیگوت تمام گونه های لیشمانیا می تواند به صورت اگزینیک در محیط های مایع کشت داده شوند. کشت پروماستیگوت در محیط آزمایشگاه به آسانی انجام پذیر است لذا در سال های گذشته تحقیقات



شکل ۱- انگل لیشمانیا ماژور داخل سلول J774A-1: سلول به رنگ صورتی نشان داده شده که انگل در داخل آن با رنگ بنفش توسط پیکان مشخص شده است.

طبق (جدول ۳) پروماستیگوت های لیشمانیاتروپیکا در روز اول هنوز داخل سلول نشده. در روز دوم انگل ها در حال داخل شدن به سلول بودند. در روز سوم انگل داخل سلول شده است. از روز ششم تا روز دوازدهم تعداد آماستیگوت ها به آرامی در سلول در حال افزایش بودند (شکل ۲). روزهای سیزدهم و چهاردهم آماستیگوت ها به کناره های ماکروفاژ نزدیک شدند. روز هفدهم آماستیگوت ها در حال خروج از سلول بودند و روز هجدهم سلول پاره شده و آماستیگوت ها از سلول خارج شدند.

جدول ۳- روند تکثیر انگل لیشمانیاتروپیکا در داخل در داخل سلول ماکروفاژی J774A-1

روز	تکثیر انگل لیشمانیا تروپیکا
روز اول	هنوز پروماستیگوت ها وارد ماکروفاژ نشده اند.
روز دوم	پروماستیگوت ها در حال داخل شدن به ماکروفاژ
روز سوم	حضور آماستیگوت ها در داخل ماکروفاژ
روزهای چهارم تا دوازدهم	افزایش تعداد آماستیگوت ها در داخل ماکروفاژ
روزهای سیزدهم و چهاردهم	نزدیک شدن آماستیگوت ها به کناره های ماکروفاژ
روز های پانزدهم و شانزدهم	قرار گیری آماستیگوت ها در دهانه پاره شده ماکروفاژ
روزهای هفدهم و هجدهم	پاره شدن ماکروفاژ و خروج انگل

بسیار زیاد و دامنه‌داری که روی لیشمانیوز انجام گرفته همگی با استفاده از پروماستیگوت‌های کشت داده شده در محیط آزمایشگاه بوده است (۹،۸)، ولی از آن‌جا که فرم پروماستیگوت، فرمی است که در بدن پشه خاکی رشد و تکثیر می‌یابد و فرم آماستیگوت، شکلی از انگل است که در زخم روی بدن میزبان مهره‌دار مستقر شده و بیماری ایجاد می‌کند، به راحتی نمی‌توان نتیجه تحقیقات در مورد پروماستیگوت را به فرم آماستیگوت تعمیم داد (۹). این مسئله با یافتن شباهت‌ها و تفاوت‌های آماستیگوت از نظر خصوصیاتی مثل پروتئین‌های سطحی با فرم پروماستیگوت قابل بررسی بوده است. به طور معمول بین دو هفته تا دو ماه زمان لازم است تا انگل بتواند در یکی از محیط‌های غنی مایع حاوی سرم حیوانی یعنی سرم جنین گوساله و آلبومین یا ادرار انسان با درصدهای مختلف عادت به رشد نماید. طولانی‌تر شدن زمان رشد و پاساژهای متوالی تغییرهایی در انگل به وجود می‌آورد، در ضمن کاهش تعداد انگل یکی از این مشکلات است. در سال ۲۰۰۲ محیط مناسبی جهت کشت لیشمانیا اینفنتوم با استفاده از آگار ۷٪، کلرور سدیم، خون خرگوش، RPMI و ۵٪ سرم جنین گوساله معرفی شد (۱۰). کشت پروماستیگوت در محیط مایع یک الی دو ماه طول می‌کشد و به طور مرتب باید به انگل محیط کشت مایع اضافه شود. تناوب این کار باعث آلودگی محیط کشت با میکروب، قارچ و گونه‌های دیگر انگل می‌شود. هزینه و تهیه سرم حیوانی از جمله سرم جنین گوساله گران است. کشت انبوه انگل لیشمانیا جهت مطالعه‌های بیوشیمیایی، فیزیولوژی و ایمن‌شناسی یک ضرورت است، در این مطالعه-ها سعی شد با تغییرهای اساسی در محیط جامد خون‌دار و حذف مواد گران‌قیمت، محیط جامد ارزان‌قیمت که انگل به خوبی در آن رشد یابد تهیه گردد.

از جمله محیط‌های دو فازي آشنا، محیط Novy-MacNeal-Nicolli (N.N.N) است که یکی از رایج‌ترین محیط‌های کشت انگل جهت جداسازی اولیه لیشمانیا به حساب می‌آید (۱۱). مشکل اصلی در محیط‌های تک فازي

تهیه ماده افزودنی سرم جنین گوساله (Fetal calf serum یا FCS) است که به عنوان مکمل جهت تحریک تقسیم یاخته و رشد انگل به محیط اضافه می‌شود.

محیط کشت RPMI1640 کاربردهای مختلفی در کشت سلول‌های پستانداران دارد، این محیط کشت با فرمولاسیون‌های متنوع تولید می‌شود تا برای هر کاربردی مناسب باشد. RPMI1640 در فرمت‌های دارای گلوتامکس (GlutaMAX™)، دارای L-glutamine، دارای معرف فنول رد (phenol red) و نیز فاقد فنول رد در بافر HEPES فرموله شده است.

مطالعه‌های Dalit و Charles بر روی پروماستیگوت‌های لیشمانیا تروپیکا که در مرحله متاسیکلیک به موش‌های صحرایی تزریق شدند، نشان داد که در انتهای مطالعه، انگل در طحال موش‌ها یافت شد. بار انگلی در مقایسه با مکان‌های تلقیح تا حدود ۴۰ برابر بیش‌تر در طحال بود (۱۲).

Talari A, VakiliZ, Saffari M.(2008) بر روی پروماستیگوت‌های لیشمانیا ماژور و لیشمانیا تروپیکا در محیط کشت محتوی خون خرگوش و محیط‌های هشت‌گانه خون انسان و محیط‌های گاو، بز و گوسفند با ۱۰ تکرار آزمایش‌هایی انجام دادند. زمان سازگاری با محیط و حداکثر و حداقل رشد بر مبنای کاهش تعداد انگل فعال نسبت به تعداد انگل در زمان کشت محاسبه گردید. سرعت زمان سازگاری پروماستیگوت در محیط‌ها باهم مساوی و بین ۱ تا ۳ روز بود. سرعت رشد انگل در محیط‌های محتوی خون گاو و گروه خونی B⁻ انسان وضعیت مناسب و مفیدی دارد.

Nsiri, et(20011) نشان داد که رشد پروماستیگوت‌های انگل لیشمانیا ماژور در محیط RPMI1640 غنی شده با ۱۰٪ سرم مرغ و محیط غنی شده با ۱۰٪ FCS کمابیش برابر است (۱۳). زرده تخم مرغ، عصاره پلاکتی انسان، سرم انسان، پلاسماي انسان، مایع داخل چشم گاو، سرم موش صحرایی و سرم اسب از جمله موادی هستند که تا به حال با FCS مقایسه شده‌اند (۱۴-۱۸). در این مطالعه نیز استفاده از سرم موش، سرم گوسفند و سرم گاو به عنوان جایگزین FCS در

کشت انگل لیشمانیا ماژور مورد ورد بررسی و مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل، یک رشد ۳-۲ برابری انگل در محیط غنی شده با ۱۰٪ سرم موش سوری در روزهای اولیه پس از کشت نسبت به محیط حاوی FCE ۱۰٪ نشان داده و ثابت نمود که این سرم می تواند به عنوان غنی کننده، در صورت اضافه شدن به محیط های کشت پایه، محیط مناسبی برای رشد انگل فراهم نماید. البته تحقیقات صورت گرفته در زمینه ترکیب های شیمیایی سرم حیوانات مختلف نشان می دهد که سطح گلوکز و کلسترول در سرم موش نسبت به سرم گاو و گوسفند بالاتر است. همچنین سطح بعضی مواد معدنی نظیر پتاسیم و فسفر نیز در سرم موش نسبت به سرم گاو و گوسفند در سطح بالاتری قرار دارند (۱۷). باتوجه به این مطلب و نیز نتایج به دست آمده در این مطالعه به نظر می رسد بالا بودن سطح این مواد در سرم موش می تواند محرک رشد سریع انگل در محیط غنی شده با این سرم باشد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد سرم گوسفند دارای شیب کم تر تکثیر نسبت به سایر محیط ها بوده و باعث طولانی شدن مرحله ثبات و کاهش شیب مرحله مرگ انگل می گردد، لذا قابلیت خوبی برای نگه داری طولانی مدت انگل دارد. مطالعه های صورت گرفته نشان داده است که سطح کلسترول در سرم گوسفند نسبت به سرم گاو پایین تر بوده و از نظر سایر مواد نظیر گلوکز، سدیم و پتاسیم کمابیش برابر است (۱۹،۲۰) همچنین تحقیقات صورت گرفته در این زمینه نشان داده است که کلسترول نقش حیاتی در عملکرد سلول لیشمانیا دونووانی داشته و کاهش آن موجب کاهش عفونت زایی انگل می شود (۲۰).

Jan و Milena در سال ۲۰۰۳، لیشمانیا تروپیکا را به همسترهای طلایی و موش های BALB/C توسط نیش پشه خاکی P.sergenti انتقال دادند. P.sergenti به صورت کلنی در آزمایشگاه توسط خون همسترها و موش های BALB/C تغذیه شدند. ۶ همستر مورد آزمایش قرار گرفتند، پشه های خاکی پرورش یافته در آزمایشگاه در هنگام تغذیه از خون همسترها لیشمانیا تروپیکا را انتقال دادند. بعد از یک ماه آلودگی، چندین ضایعه در ۲ همستر دیده شد. ضایعات زخمی نداشتند و برای همیشه باقی ماندند. آن ها آزمایش

دیگری بر روی ۴ موش BALB/C انجام دادند. در ۳ موش پس از ۶ ماه ضایعات دیده شدند. در ۱ موش پس از ۱ ماه ضایعه در دم ظاهر شد، اما این ضایعه کوچک پس از ۶ ماه ناپدید شد. در این آزمایش انتقال لیشمانیا تروپیکا به همسترهای طلایی و موش های BALB/C توسط نیش پشه P.sergenti که میزبان اصلی است، مورد بررسی قرار گرفت که نتایج نشان داد، همه پشه های خاکی توانایی انتقال انگل را نداشتند، بنابراین انتقال انگل به طور مستقیم با توانایی خوردن خون میزبان مرتبط نیست و زمان و هزینه زیادی صرف این آزمایش شد (۲۱).

مطالعه های Kovari و همکاران رفتار فاگوسیتیک پویا سلول رده J774A-1 را نشان داد. این تحقیقات نشان داد که گسترش فاگوسیتیک در مراحل مختلف و با یک دوره متمایز انقباض رخ می دهد. مدت زمان پخش و مناطق تماس حداکثر، مستقل از تراکم opsonin سطح است، اگرچه تراکم opsonin بر روی احتمال گسترش سلول تأثیر می گذارد. این امر این ایده را تقویت می کند که پویایی فاگوسیتوزی به طور عمده توسط فعالیت های سیتو اسکلتی انجام می شود (۲۲).

نتایج حاصل از پژوهش ما، تکثیر لیشمانیا تروپیکا در محیط های مختلف کشت و داخل ماکروفاژ و تغییرهای ایجاد شده را نشان داد. لیشمانیا تروپیکا طبق مطالعه های گذشته برای تکثیر به موجود زنده مانند همسترو موش BALB/C نیاز دارد، اما به دلیل صرف هزینه بالا و زمان طولانی، استفاده از موجود زنده مقرون به صرفه نیست. بنابراین هدف اصلی در این پژوهش، کشت لیشمانیا تروپیکا در محیط های مختلف کشت مانند محیط کشت RPMI1640 و محیط کشت NNN و تکثیر داخل سلول ماکروفاژی J774A-1 در شرایط آزمایشگاه و بدون نیاز به موجود زنده به دلیل صرف هزینه بالا و زمان طولانی است و تغییرهای ایجاد شده در این زمینه بررسی شد. در حقیقت این انگل، با مکانیزم دفاعی سلول روبرو است و مواد و آنزیم هایی که بسیاری از میکروب ها را از بین می برند برای انگل بی اثرند. دلیل این که

در محیط ماکروفاژ با این همه مواد ضد میکروبی، لیشمانیاتروپیکا توانایی زنده ماندن دارد این است که: انگل به علت داشتن LPG و ایجاد بار منفی بسیار زیاد نسبت به اثر آنزیم های مختلف مقاوم است و دیگر این که انگل مواد بازدارنده آنزیم های لیزوزوم شبیه عامل ترشحی (EF) و LPG ترشح می کند (۲۳). لیشمانیاتروپیکا در محیط کشت N.N.N فقط نگهداری می شود و توانایی تکثیر در این محیط را ندارد. پروماستیگوت های لیشمانیاتروپیکا قدرت زنده ماندن برای زمان طولانی در ماکروفاژ را دارند و در مقایسه با لیشمانیا ماژور زمان بیش تری نیاز دارند تا عملکرد خود را نشان دهند و از سلول خارج و باعث آلوده سازی سلول های دیگر شوند. این انگل در محیط کشت به شکل پروماستیگوت (تاژک دار) است، زمانی که وارد ماکروفاژ می شود تغییر شکل داده و تاژک خود را از دست می دهد و به شکل آماستیگوت تبدیل می شود.

به علاوه در این مطالعه از سلول های ماکروفاژ جهت رشد انگل استفاده گردید تا شرایط ایجاد شده، الگویی از رشد انگل به صورت In vitro و یا در داخل سلول میزبان باشد. مشاهده میکروسکوپی ماکروفاژ های کشت داده شده و تشخیص آماستیگوت های داخل و خارج سلولی نمایان گر مطلوب بودن شرایط رشد بود.

بنابراین در آزمایشگاه شرایطی فراهم شد که پروماستیگوت های لیشمانیاتروپیکا، به آماستیگوت هایی تبدیل شدند که در سلول های میزبان قدرت زنده ماندن برای زمان طولانی را دارند و نتایج حاصل، می تواند قابل توجه برای محققینی که در نقاط مختلف دنیا در خصوص لیشمانیاتروپیکا مشغول مطالعه هستند، باشد.

نتیجه گیری

کشت عامل لیشمانیوز جلدی در محیط های کشت از نقطه نظر شیمیایی، بیولوژیکی، ایمونولوژیکی و شیمیوترپی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. گرچه در چرخه زندگی تک یاخته لیشمانیا دو فرم ظاهر می شود یکی فرم لیشمانیائی در

درون لکوسیت های انسان و حیوانات مهره دار (promastigote) که در بدن پشه خاکی رشد می نماید و کشت هر دو فرم تک یاخته لیشمانیاتروپیکا امکان پذیر است.

در نتیجه این کار پژوهشی دیده شد لیشمانیا ماژور در محیط های کشت NNN و RPMI1640 قدرت تکثیر بالایی دارد. اما لیشمانیاتروپیکا در محیط کشت N.N.N تکثیر نمی شود، فقط نگهداری می شود. پروماستیگوت های لیشمانیاتروپیکا قدرت زنده ماندن برای زمان طولانی در ماکروفاژ را دارند و در مقایسه با لیشمانیا ماژور زمان بیش تری نیاز دارد تا عملکرد خود را نشان دهد و از سلول خارج و باعث آلوده سازی سلول های دیگر شود. بنابراین در آزمایشگاه شرایطی فراهم شد که پروماستیگوت های لیشمانیاتروپیکا، به آماستیگوت هایی تبدیل شدند که در سلول های میزبان قدرت زنده ماندن برای زمان طولانی را دارند.

سپاسگزاری

از کلیه همکاران و مسئولین آزمایشگاه مسعود که امکانات لازم را جهت انجام آزمایشات در اختیار ما قرار دادند، قدردانی می گردد.

1. Talari A, Vakili Z, Saffari M. Investigating the effect of different blood on growth of cutaneous leishmaniasis by invitro method. 2006. J. Medical Sciences and Health Services, pp. 75-69.
2. Hosseinasab A, Sharifi I, Daei M. H, Zarean M, Dadkhah M. Causes of Pediatric Visceral Leishmaniasis in Southeastern Iran. 2014, Iran J Parasitol.; 9(4): 584-587.
3. Marina. V, Shirmanova I. N, Druzhkova. M.M, Lukina . M. E. Matlashov .V.V. Belousov L. B, Snopova N.N, Prodanetz V. V, Dudenkova Sergey A. Lukyanov Elena V. Zagaynova. Intracellular pH imaging in cancer cells in vitro and tumors in vivo using the new genetically encoded sensor SypHer2. ScienceDirect, 2015:1905-1
4. McCauley J, Zivanovic A, Skropeta D. Bioassays for Anticancer Activities. 2013. Metabolomics Tools for Natural Product Discovery PP191-205.
5. Xu D, Liu H, Komai M, Campbell C, McSharry C, Alexander J. CD4⁺CD25⁺ Regulatory T Cells Suppress Differentiation and Functions of Th1 and Th2 Cells, *Leishmania major* Infection, and Colitis in Mice. 2003, The Journal of Immunology: 170 (1) 394-399.
6. Mansouri M, Jafari AA, Medicinal Plant *Scrophularia striata* Evaluation Anti-parasitic Effects on *Leishmania major*: In vitro and In vivo Study. 2014. BIOSCIENCES BIOTECHNOLOGY RESEARCH ASIA; 11 (2), 627-634.
7. Patricia M. Barnes M.A. Complementary and Alternative Medicine Use Among Adults and Children: United States, 2008. National Health Statistics Reports, Number 12.
8. Fadili K, Messier N, Leprohon P. Role of the ABC transporter MRPA (PGPA) in antimony resistance in leishmania infantum axenic and intracellular amastigotes. Antimicrob Agents Chemoter 2005; 49(5):1988-1993.
9. Haytham AZ, Michael LC, Paul AB. The axenic cultivation of leishmania donovani amastigotes. Saudi Med J 1999; 20(5):334-340.
10. Quijada L, Soto M, Alonso C, Requena JM. High- efficiency plating method for Leshmania infantum. Mol&Biochem Parasitol 2003; 130(2): 139- 141.
11. Rodrigues IA, da Silva BA, dos Santos AL, Vermelho AB, Alviano CS, Dutra PM, et al. A new experimental culture medium for cultivation of *Leishmania amazonensis*: its efficacy for the continuous in vitro growth and differentiation of infective promastigote forms. Parasitol Res 2010; 106(5): 1249-52.
12. Talmi D, Jaffe C, Nasereddin A. Baneth G, *L. tropica* experimental infection in the rat using luciferase-transfected parasites, 2012, Veterinary parasitology : Pages 57-62.
13. Nasiri A, Habibi Gh, Esmailnia K. Use of chicken serum as a good replacement for the fetal calf serum in cultivation of promastigotes of *Leishmania major*. J Archives of Razi Institute 2011;66: 59-64.
14. Kinzebach S. Bieback K. Kinzebach S. Expansion of Mesenchymal Stem/Stromal Cells under Xenogenic-Free Culture Conditions. 2012. Basics and Clinical Application I pp33-57.

15. Younesi E, Bayati V, Hashemitabar M, Azandeh S. S, Bijannejad D, Bahreini A. Differentiation of adipose-derived stem cells into Schwann-like cells: fetal bovine serum or human serum. 2015 Anat Cell Biol; 48(3):170-176.
16. Gérzia M.C, Leonor L. L, Solange L.C. Activity of Brazilian and Bulgarian propolis against different species of *Leishmania*. 2007. Memórias do Instituto Oswaldo Cruz ,Print version ISSN 0074-0276On-line version ISSN 1678-8060.
17. Jawasreh K, Awawdeh F, Bani Ismail Z, Al-Rawashdeh, Al- Majali A. Normal hematology and selected serum biochemical values in different genetic lines of Awassi Ewes in Jordan. 2010 Internet J. Veterinary Medicine Vol.7 No.2 pp.unpaginated ref.12.
18. Eelco B, Dimitris D.T. Experimental and Pharmacokinetic Studies in Intraperitoneal Chemotherapy: From Laboratory Bench to Bedside. 2007; Advances in Peritoneal Surface Oncology pp 53-73.
19. Devendra B, Harinderpal SB, Rakesh S. Role of cholesterol in parasitic infections. 2005, licensee BioMed Central Ltd: 4:10
20. Fakhar M, Mirzaei M, Rafiei A, Armat S, Mojtahedian M. Comparative Evaluation of Hydatid Cyst Fluid and Fetal Bovine Serum (FBS) in Culture Medium of Rat Fibroblast Cells. J Mazandaran Univ Med Sci. 2012; 21 (86) :213-221.
21. Milena S,Petr V, Jan V. Experimental transmission of *Leishmania tropica* to hyraxes (*Procavia capensis*) by the bite of *Phlebotomus arabicus*. 2006, Pages 1691-1694.
22. Kovari D, Wei W, Chang P, Toro J.S, FoggBeach R , Chambers D, Porter K, Koo D, Curtis J. Frustrated Phagocytic Spreading of J774A-1 Macrophages Ends in Myosin II-Dependent Contraction. 2016. Biophysical Journal: Pages 2698-2710.
23. Khatima A, Elodie G, Baptiste V, Bruno O, Denis S. *Leishmania* antimony resistance: what we know what we can learn from the field. 2011, 109:1225.